



## مشاور حقوقی\*

□ فرهنگ فقیه لاریجانی؛ علی یزدانزاده

آن در مالکیت شهرداری هستند به مفهوم ماده‌ی ۴۶ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها از باب حفاظت از اموال عمومی و آماده و مهیا ساختن آن برای استفاده عموم و جلوگیری از تجاوز و تصرف اشخاص است. گذرگاه‌ها و خیابان‌ها نیز به عنوان اموال عمومی و مکان‌هایی که برای استفاده عمومی پیش‌بینی شده‌اند، بدون حکم قانونی نمی‌توانند مورد انتحاء مختلف تصرفات مالکانه آن گونه که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی صورت می‌پذیرد، قرار گیرند. درباره‌ی مسأله‌ی ما نحن فیه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز رأی شماره ۵۵۵ را در مورخ ۱۳۷۹/۲/۱ صادر نموده است. لازم به ذکر است که رأی یاد شده مصوبه‌ی شورای شهر تهران مبنی بر اخذ مبلغی به عنوان هزینه و بهای بهره‌مندی و استفاده اختصاصی از معابر عمومی را ابطال نموده است و امکان اخذ عوارض تحت این عنوان، همچنان دارای ابهام است. رأی مذکور اشکالی دارد: "مطابق ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵ قانونگذار وظایف شورای اسلامی شهر را ۲۹ بند بر شمرده و احصاء نموده است. نظر به این

آیا شهرداری اختیار دارد از وزار تخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی، دولتی و دیگر مؤسسات و یا ساکنان مجاور گذرگاه‌ها و خیابان‌ها که از گذرگاه‌های عمومی استفاده‌ی اختصاصی می‌کنند، عوارض دریافت کند؟

مطابق با تبصره‌ی ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری، اراضی، کوچه‌های عمومی، میدان‌ها، پیاده‌روها، خیابان‌ها و به طور کلی گذرگاه‌ها، بستر رودخانه‌ها، نهرها، مجاری فاضلاب شهرها، باغ‌های عمومی و... واقع در محدوده‌ی هر شهر که مورد استفاده عموم است، ملک عمومی به شمار آمده و در مالکیت شهرداری است. نکته مهم این است که آیا مالکیت شهرداری بر یک ملک عمومی مانند یک معبر یا خیابان مؤید آن است که شهرداری اذن اعمال هر گونه تصرفات مالکانه از قبیل اجاره، عاریه، هبه، صلح و... را دارد؟

با توجه به تعاریف ماده ۴۵ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها از اموال عمومی حق تصرف مالکانه را ندارد؛ چرا که این اموال متعلق به شهر بوده، برای استفاده‌ی عموم اختصاص یافته است و قرار گرفتن

ویراستار: برای حفظ امانت در موارد قانونی از ویرایش فنی پرهیز شد.



دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال گردید.

رأی فوق بر ابطال مصوبه شورای شهر اشاره دارد و مصوبه مذکور مستنبتاً از دفاعیات دو طرف ناظر بهای خدمات بوده است. حال سؤال این است که آیا می توان در چارچوب عوارض با رعایت تشریفات قانونی از استفاده کنندگان اختصاصی از حاشیه معابر و شوارع عمومی مبلغی را اخذ نمود؟ در پاسخ باید گفت که رأی مورد اشاره صرف نظر از ماهیت حقوقی مبلغ مأخوذه، از اساس استفاده اختصاصی را با توجه به ملاحظات حقوقی گفته شده مجاز نمی داند. با این وصف اصولاً نمی توان خدمتی را تحت این عنوان به اشخاص خاصی ارایه نمود و در مقابل عوارض و یا بهای خدمات اخذ نمود. چرا که اساساً رأی یاد شده استفاده اختصاصی از اموال عمومی را ممنوع تلقی می کند. در پایان مشروح رأی برای بهره مندی درج می شود:

که از مدلول بندهای ۱۶ و ۲۶ که مبنی بر تصویب لوایح برقراری و یا لغو عوارض شهر؛ همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت و اعلام آن از سوی وزارت کشور و نیز تصویب نرخ خدمات ارایه شده شهرداری و سازمان های وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری ها، اختیار صدور مجوز اختصاصی از حاشیه معابر و شوارع عمومی توسط وزارتخانه ها، مؤسسات، سازمان ها و شرکت های دولتی و خصوصی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و ساکنین مجاور گذرگاه ها و خیابان ها در قبال اخذ سالیانه مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۲۰۰/۰۰۰ ریال حسب مورد مستفاد نمی گردد، بنا به مراتب تبصره های یک و دو ماده واحده مصوب شصت و هفتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران به شماره ..... خارج از حدود و اختیارات شورای اسلامی شهر تهران شناخته شد و به استناد قسمت

### رأی شماره ۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوبه ۱۴۲ جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱ شورای اسلامی شهر تهران

شماره هـ- ۳۳۱/۸۱/ شماره دادنامه ۵۵۵ کلاسه پرونده: ۳۳۱/۸۱

تاریخ: ۱۳۸۳/۱۱/۴ شماره دادنامه ۵۵۵ کلاسه پرونده: ۳۳۱/۸۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری. شاکی: وزارت راه و ترابری.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه ۱۴۲ جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱ شورای اسلامی شهر تهران.

خیابان ها و معابر عمومی شهر را که در حال حاضر برای توقف کوتاه مدت اتومبیل های شهروندان مورد استفاده می باشد به دستگاه های دولتی و سایر اشخاص اجاره بدهد و وجوهی را به عنوان هزینه خدمات ولی در ماهیت به عنوان اجاره بها وصول نماید. بنا به دلایلی که ذیل به عرض می رسد مصوبه شورای اسلامی شهر تهران و نیز تصمیم فوق الاشعار سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران بر خلاف مقررات بوده، خارج از اختیارات شهرداری و

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، بر اساس مصوبه مورد شکایت مقرر گردیده است شهرداری تهران نسبت به صدور مجوز استفاده از توقف گاه های حاشیه ای اختصاصی اقدام و از دستگاه های دولتی به ازای هر خودرو سالیانه مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و از ساکنان همجوار خیابان ها و معابر عمومی به ازای هر خودرو مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال وصول نماید و ماهیت این مصوبه در واقع بدان معنی می باشد که شهرداری حاشیه



شورای اسلامی شهر می باشد؛ لذا ابطال آن ها را تقاضا دارد. ۱- برابر بندهای ۱۶ و ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، حدود اختیارات شورای اسلامی شهر فقط در مورد تصویب برقراری عوارض و تغییر آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت؛ همچنین تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری ها می باشد. برقراری وصول مبالغ مذکور عنوان عوارض ندارد؛ لذا از شمول بند ۱۶ خارج است و وصول این مبالغ تحت عنوان نرخ خدمات نیز موضوعیت ندارد. چرا که شهرداری از این بابت خدمتی را ارائه نمی دهد تا مجاز به وصول ما به ازاء آن باشد و چون برای معابر عمومی مقررات ویژه ای وجود دارد که بر اساس آن ها معابر عمومی برای تسهیل در رفت و آمد شهروندان ایجاد می گردد، لذا شهرداری نمی تواند به بهانه احداث معابر آن را نوعی ارائه خدمات تلقی و بابت آن وجوه مضاعفی از شهروندان وصول نماید. ۲- شورای اسلامی شهر تهران با تصویب مصوبه فوق با عنوان ارائه خدمات در واقع فکر مربوط به وصول پول برای استفاده از خیابان ها و معابر؛ یعنی عوارض سطح شهر را احیاء نموده است. ۳- برابر ماده یک قانون نوسازی و عمران شهری از جمله اهداف مقنن در تصویب این قانون تأمین نیازمندی های شهری و احداث و توسعه معابر و... می باشد که به همین منظور شهروندان مکلف به پرداخت عوارض خاص سالیانه به مآخذ ۵ در هزار بهای اراضی و ساختمان ها هستند و اینکه شهرداری مجاز باشد برای استفاده از همان معابر وجوه دیگری را مطالبه نماید مجوز قانونی وجود ندارد. ۴- برابر تبصره ۲۲ قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۶ کل کشور مصوب ۱۳۴۶/۱۲/۲۷ به کلیه وسایل نقلیه سواری غیر از اتوبوس و مینی بوس مبلغی معادل

۵٪ قیمت آن به عنوان عوارض آسفالت تعلق می گیرد و کارخانجات سازنده و مونتاژ کننده آن را از خریداران وسایل نقلیه وصول می نماید. مبلغ مذکور برای استفاده از خیابان ها و معابر عمومی است و منطقی نیست که شهرداری با ایجاد توقفگاه حاشیه ای اختصاصی مانع از توقف های اضطراری و کوتاه مدت وسایل نقلیه عبوری گردد و علاوه بر آن وجوه مضاعف دیگری را هم از مالکان وسایل نقلیه وصول نماید. ۵- برابر تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۷۸/۷/۱ عدم احداث پارکینگ و غیر قابل استفاده بودن آن جریمه ای معادل یک و حداکثر دو برابر ارزش معاملاتی ساختمان را دارد. این جریمه به نوعی به ازاء استفاده از حاشیه خیابان ها برای توقف اتومبیل مالکینی است که ساختمان آن ها فاقد پارکینگ بوده و جریمه آن را نیز پرداخت نموده اند. ۶- شورای اسلامی شهر تهران با تصویب مصوبه فوق در واقع اجازه تجاوز به معابر را صادر نموده و با بدعت گذاشتن چنین شیوه ای موجب خواهد گردید شهرداری های دیگر نقاط کشور نیز عمل غیر قانونی اجاره دادن حاشیه خیابان ها را پیاده نمایند. مدیر کل حقوق شهرداری تهران در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۱۷/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۱ اعلام داشته اند، ۱- مستفاد از بند ۱۸ ماده ۵۵ قانون شهرداری و ماده یک قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ شهرداری ها می توانند به منظور ایجاد توقف گاه برای وسایل نقلیه عمومی و غیره و اتخاذ شیوه های مربوط به آن اقدام مقتضی معمول دارند. ۲- مطابق تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری، اراضی کوچه های عمومی، میدان ها، پیاده روها، خیابان ها، به طور کلی معابر و... عمومی ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است و شهرداری مجاز است در مقام بهره مندی عمومی از آن ها هر گونه اقدامی را که مصلحت بداند و



اجازه داده شود بر مبنای مستند قانونی مرقوم از این حیث نیز ایراد و اشکال قانونی وجود ندارد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

### رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ قانونگذار وظایف شورای اسلامی شهر را ۲۹ بند بر شمرده و احصاء نموده است. نظر به این که از مدلول بندهای ۱۶ و ۲۶ که مبنی بر تصویب لوایح برقراری و یا لغو عوارض شهر؛ همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت و اعلام آن از سوی وزارت کشور و نیز تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آیین نامه مالی و معاملات شهرداری‌ها، اختیار صدور مجوز استفاده اختصاصی از حاشیه معابر و شوارع عمومی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و ساکنان مجاور گذرگاه‌ها و خیابان‌ها در قبال اخذ سالیانه مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۲۰۰/۰۰۰ ریال حسب مورد مستفاد نمی گردد، بنا به مراتب تبصره‌های یک و ۲ ماده واحده مصوب شصت و هفتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران به شماره ۱۶۰/۶۲/۱۲۴۱ مورخ ۱۳۶۹/۱/۳۱ خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر تهران شناخته شد و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال گردید.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

موافق قوانین و مقررات باشد معمول نماید؛ همچنین بنا بر ماده ۴۵ آیین نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۶ حفاظت از اموال عمومی شهرداری و آماده و مهیا ساختن آن برای استفاده عموم و جلوگیری از تجاوز و تصرف اشخاص نسبت به آن‌ها به عهده شهرداری است. ۳- بر خلاف مفاد دادخواست تقدیمی، هدف از مصوبه شورای اسلامی شهر تهران ایجاد مانع برای توقف کوتاه مدت اتومبیل‌های شهروندان نبوده؛ بلکه به منظور جلوگیری از اختصاصی نمودن حاشیه خیابان‌ها توسط مالکان، کسبه و ... همجوار بوده است؛ لذا در مقابل اقدام یک طرفه اشخاص یاد شده، ضروری تشخیص داده شد تا بهاء و هزینه بهره‌مندی اختصاصی از معابر عمومی به استناد قانون (ماده ۷ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۱۳۵۰) تعیین و در جهت بهره‌مندی عموم شهروندان و منافع جمعی وصول و مورد استفاده قرار گیرد. ۴- از آنجا که وجوه موضوع مصوبه موصوف عنوان عوارض ندارد، فلذا بحث سیاست عمومی دولت که توسط وزارت کشور اعلام می گردد (بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و ... مصوب ۱۳۷۵) مطرح نمی شود؛ همچنین وجه مورد مطالبه هیچ گونه سختی و ارتباطی با عوارض نوسازی و یا سطح شهر و ... ندارد بلکه بهاء هزینه بهره‌مندی و استفاده اختصاصی از معابر عمومی است که متعلق به تمامی شهروندان می باشد. ۵- بر اساس لایحه قانونی راجع به مستثنی شدن شهرداری تهران در مورد واگذاری قسمتی از پارک‌ها، میدان‌ها و اموال عمومی اعم از عرصه و اعیانی موجود در آن به نحوی که محل زیبایی یا مصلحت عامه نباشد و ... اقدام نماید ... علی ایحال، چنانچه بر اقدام شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران در تصویب مصوبه مورد اعتراض وزارت راه و ترابری عنوان



آیا با توجه به حکم تبصره ۱ ماده ۹۹ قانون شهرداری، شهرداری های استان تهران می توانند راساً اقدام به تخریب ابنیه‌ی احداثی بدون پروانه ساختمانی نمایند؟

تبصره ۱ ماده ۹۹ قانون شهرداری اشاره می‌دارد: به منظور حفاظت از حریم مصوب شهرهای استان تهران، شهرداری‌های مربوطه مکلف‌اند، از مقررات تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران مصوب ۱۳۵۲/۵/۱۷ استفاده نمایند. تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران شهرداری تهران را مکلف نموده است ابنیه و تأسیساتی را که بدون پروانه ساختمان و رعایت مفاد این ماده در خارج از محدوده‌ی خدمات شهری فعلی تهران احداث گردد، جلوگیری و تخریب نماید. طبق تبصره ۴ اصلاحی ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران مقرر گردیده که به ساختمان‌های بدون پروانه احداث شده در اراضی مربوطه در صورت داشتن شرایط قابل قبول از نظر فنی و بهداشتی با اخذ جریمه گواهی پایان کار صادر شود. پس حکم این تبصره وارد بر تبصره ذیل ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران مصوب ۵۲ بوده و ناسخ آن است؛ چرا که در صورتی که این تبصره حاکم می‌بود دیگر کمیسیون ماده ۱۰۰ به عنوان مرجع صالح برای رسیدگی به ساخت و سازهای بدون پروانه جایگاهی نمی‌داشت. در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره ذیل آن نیز به شهرداری اجازه‌ی تخریب بنای بدون پروانه داده نشده است. بلکه صرفاً شهرداری مجاز به جلوگیری از احداث بنای بدون پروانه با رعایت شرایط قانونی می‌باشد. بدیهی است که جلوگیری از ساختمان به هیچ وجه به مفهوم تخریب نمی‌باشد، چرا که پس از تخریب بنا امکان اظهار نظر در کمیسیون ماده صد ممکن نخواهد بود. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۲۹۶۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ نیز مؤید نظر فوق است.

آیا با توجه به حکم ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن درباره‌ی اقدامات علیه بهداشت عمومی، وظیفه شهرداری وفق بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری در خصوص مکان‌هایی؛ همچون مراکز دامداری و مشاغل و کسب‌هایی که ایجاد مزاحمت و سرو صدا کنند یا تولید دود یا عفونت، یا تجمع حشرات و جانوران نماید منسوخ شده است؟

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی اشاره دارد: "هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی، دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، بر حبس تا یک سال محکوم خواهند شد." ماده‌ی مذکور به طور عام ناظر بر هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، بوده و موارد ذکر شده از باب تمثیل آمده‌اند. در پاسخ این سؤال که تشخیص این که اقدامی علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست می‌باشد یا خیر تبصره ماده ۶۸۸ حسب مورد وزارت بهداشت در مان آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی را مسؤول می‌داند. سوال اصلی این است که با این اوصاف، آیا وظیفه شهرداری‌ها وفق بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری منتفی خواهد بود؟ بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری (اصلاحی ۴۵/۱۱/۲۷) مقرر می‌نماید:

جلوگیری از ایجاد و تأسیس کلیه‌ی اماکن که به نحوی از انحاء موجب بروز مزاحمت برای ساکنان یا مخالف اصول بهداشت در شهرهاست شهرداری مکلف است از تأسیس کارخانه‌ها، کارگاه‌ها،



۵۵ درباره‌ی نظارت و مراقبت در وضع دودکش‌های مکان‌ها، کارخانه‌ها و وسائط نقلیه که کار کردن آن‌ها دود ایجاد می‌کند به منظور جلوگیری از آلوده شدن هوای شهر نیز با ماده ۶۸۸ و تبصره ذیل آن قابل جمع باشد. تبصره‌ی ۲ ماده ۶۸۸ آلودگی محیط زیست را تعریف نموده؛ مسؤولیت تشخیص و اعلام جرم را بر عهده سازمان حفاظت از محیط زیست نهاده است. ولی حکم ذیل بند ۲۰ ماده ۵۵ شامل نظارت و مراقبت در وضعیت قرار گرفتن دودکش‌های مکان‌های مختلف است.

### ❁ آیا شهرداری‌ها می‌توانند گرفتن حقوق قانونی خود؛ مانند عوارض یا بهای خدمات را حسب مورد به یکی از اشخاص، اصناف یا اتحادیه‌ها واگذار نمایند؟

مجری اخذ عوارض قانونی و مصوب، شهرداری‌ها می‌باشند. اصل بر این است که مراجع قانونی وجوه قانونی را وضع و وصول کنند. در واقع مراحل چندگانه تشخیص، تعیین، محاسبه یا وصول وجوه دولتی یا عمومی به واسطه‌ی آن که با حقوق مالی اشخاص در ارتباط است؛ از لحاظ جنبه‌ی عمومی مهم است. مباشرت دستگاه‌های مختلف از جمله شهرداری‌ها در وصول عوارض و بهای خدمات به دلیل آن است که وجهی بر خلاف قانون یا زیاده بر مقررات از اشخاص اخذ نگردد. ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی نشان دهنده‌ی همین ضرورت است:

"هریک از مسؤولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است بر خلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسؤولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه بر

گاراژهای عمومی، تعمیرگاه‌ها، دکان‌ها؛ همچنین مراکزی که مواد محترقه می‌سازند، اصطبل چارپایان، مراکز دامداری و به طور کلی تمام مشاغل و کسب‌هایی که ایجاد مزاحمت و سر و صدا کنند یا تولید دود؛ عفونت می‌کنند و یا تجمع حشرات و جانوران می‌نماید جلوگیری کند و در تخریب کوره‌های آجر، گچ، آهک‌پزی و خزینه گرمابه‌های عمومی که مخالف بهداشت اقدام نماید و با نظارت و مراقبت در وضع دودکش‌های مکان‌ها و کارخانه‌ها و وسائط نقلیه که کار کردن آن‌ها دود ایجاد می‌کند از آلوده شدن هوای شهر جلوگیری نماید و ....

طبق قاعده‌ی حقوقی و فقهی "الجمع مهما امکن اولی من الطرح" تا حد امکان باید بین دو ماده جمع نمود و در صورت ورود حکم مؤخر قائل به نسخ حکم مقدم شد؛ بنابراین نکات ذیل از جمع بین دو ماده نتیجه می‌شود:

۱- بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری "جلوگیری از ایجاد و تأسیس کلیه اماکن که به نحو از انحاء موجب بروز مزاحمت برای ساکنین یا مخالف اصول بهداشت در شهرها" می‌باشد، را بر عهده شهرداری گذاشته است. حال آنکه ماده ۶۸۸ در مقام تعریف جرم اقدام علیه بهداشت عمومی وظیفه‌ی اعلام جرم را بر عهده نهاده‌های صدرالذکر نهاده است. حکم بند ۲۰ ماده ۵۵ صرفاً ناظر بر جلوگیری است ولی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مربوط به بروز یک جرم می‌باشد. مضافاً این که بند ۲۰ ماده ۵۵ صرفاً در محدوده شهر جاری بوده، به خارج از آن تسری ندارد. با این وصف مخالف اصول بهداشت بودن یک مکان؛ مانند محل‌هایی که باعث تجمع عفونت، جانوران، حشرات و... می‌شود، می‌تواند موجبی برای اقدام جلوگیری کننده شهرداری؛ همچنین اعلام جرم وزارت بهداشت باشد.

۲- به نظر می‌رسد که حکم ذیل بند ۲۰ ماده



بابت مالیات، عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق شده از سوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد.

با توجه به حکم ماده ۲۹ قانون نظام صنفی، اتحادیه‌ها که طبق ماده ۷ همان قانون شخصیتی حقوقی هستند که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان و مشابه اند، تشکیل می‌گردد؛ می‌توانند با مجوز شهرداری عهده‌دار وصول عوارض و بهای خدمات قانونی شوند.

خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می‌گردد.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که واگذاری حق وصول عوارض و بهای خدمات به سایر اشخاص نیازمند حکم قانونی باشد. ماده ۲۹ قانون نظام صنفی مصوب ۸۲/۱۱/۲۴ اشاره دارد: "اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول شده



**شماره هـ/۸۴/۱۸۵ رأی شماره ۲۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال صورتجلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ شورای اسلامی شهر شیراز ۱۳۸۵/۵/۱۸**

تاریخ: ۱۳۸۵/۴/۱۱  
شماره دادنامه: ۲۱۱  
کلاس پرونده: ۱۸۵/۸۴  
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.  
شاکی: آقای منوچهر نبی‌زاده و خانم رؤیا نبی‌زاده.  
موضوع شکایت و خواسته: ابطال صورتجلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ شورای اسلامی شهر شیراز.

که قبلاً کاربری انتفاعی نداشته‌اند و بعداً کاربری انتفاعی داده می‌شود، فقط ۱/۵ برابر قیمت منطقه‌بندی برای هر متر مربع به شهرداری پرداخت می‌شود. تصمیمات مذکور مغایر قوانین فوق‌الاشعار بوده و ابطال صورتجلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ مورد تقاضا است. رئیس شورای اسلامی شهر شیراز در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۷۹۲۱/ش الف/ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷ اعلام داشته‌اند، نه شورای اسلامی و نه شهرداری هرگز تعرضی به حقوق حقه و اصل مالکیت مردم نداشته و ندارند. در قضیه‌ی مانحن فیه، نه شهرداری مانع تصرف و انتفاع از حق مالکی شده، نه مالی را از تصرف صاحب آن خارج ساخته و نه متعرض و منکر مالکیت کسی شده، نه متعرض مالکیت و فضای زمین متعلق به مالک شده و نه متعرض احیاء کننده اراضی موات و مباحه

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، در صورتجلسه مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ شهرداری شیراز (شورای اسلامی شهر) بر خلاف اصل ۴۷ قانون اساسی و مادتین ۳۰ و ۳۲ قانون مدنی و مغایر با مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۹ قانون تملک اراضی و ماده واحده مصوب سال ۱۳۷۰ که در راستای قانونی شهرداری‌ها و مکمل قانون تملک اراضی تصویب گردیده در چند ماده و تبصره مصوبه‌ای را در مورد اراضی جیل دراک شیراز تصویب نموده‌اند. در بند (الف) صورتجلسه مورد شکایت آمده است، چون در اجرای مصوبه کمیسیون ماده ۵ تغییر کاربری اراضی مذکور قابلیت مسکونی پیدا کرده‌اند از ۱۰٪ تا ۴۵٪ برای تغییر کاربری سهم شهرداری در نظر گرفته‌اند حال آنکه در بند یک ماده ۱۰ قانون شهرداری‌ها نسبت به املاکی



کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است که هدف از انجام امور فوق الذکر؛ همچنین تغییر کاربری اراضی واقع در محدوده شهرها توسط مراجع ذیصلاح در جهت تنظیم و تنسيق امور مربوط به احداث بنا با کاربری های گوناگون، تأمین و تسهیل خدمات عمومی شهری و به منظور تدارک امکانات متناسب و مطلوب برای رفاه شهروندان می باشد؛ بنابراین تعلیق انجام وظایف مسؤولیت های قانونی به شرط واگذاری قسمتی از اراضی اشخاص به طور رایگان به شهرداری به منظور تأمین نیازمندی های شهری خلاف قانون و اصل تسلیط و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی محسوب می شود و تصمیم مورخ ۱۳۸۰/۶/۷ شورای اسلامی شهر شیراز که مبین این معنی است به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری- علی رازینی

شده اند. ذکر این نکته را ضروری می داند که شهرداری نهادی است مردمی و خدمتگزار مردم و کلان شهر شیراز را با داشتن ۴۵۰۰ نفر پرسنل خدمت باید اداره کند بدون بهره مندی از بودجه دولتی و کمک های دولت چگونه باید اداره شود. آیا نه این است که شهروندان عزیز باید هزینه شهر نشینی و بهره مندی از خدمات عمومی را بپردازند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی، رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

#### رأی هیأت عمومی

تعیین کاربری مناطق شهری به حکم قانون از جمله وظایف و مسؤولیت های شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و تهیه نقشه تفصیلی مناطق شهری با رعایت نقشه جامع به عهده

شماره هـ/۸۲/۶۵۲ رأی شماره ۲۶۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص صلاحیت

کمیسیون های ماده صد شهرداری

تاریخ: ۱۳۸۵/۵/۸

شماره دادنامه: ۲۶۶

کلاس پرونده: ۶۵۲/۸۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شهرداری خمینی شهر.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۳ و ۱۸ و ۱۹ بدوی و شعبه اول تجدید

نظر دیوان عدالت اداری.

شهرداری به شرح دادنامه شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۷۵/۳/۹ چنین رأی صادر نموده است، شاکی در خارج از محدوده خدمات شهری اقدام به احداث بنا نموده است حال که ساختمان احداث شده در محدوده خدمات شهرداری شهرستان خمینی

مقدمه: الف-۱- شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۷۱۳۱۷/۷۳ موضوع شکایت آقای رحیم صراف بیدآبادی به طرفیت، شهرداری خمینی شهر به خواسته، رفع تعرض شهرداری و فسخ آراء مورخ ۱۳۷۳/۸/۷ و ۱۳۷۳/۹/۶ ماده صد





شهر قرار گرفته است. شهرداری احداث بدون پروانه را تخلف تلقی و مراتب را به کمیسیون ماده صد قانون شهرداری اعلام نموده است. کمیسیون هم‌طی رأی مورخ ۱۳۷۳/۹/۶ رأی شماره ۷۱۵ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۳ کمیسیون بدوی را دایر به محکومیت شاکی به پرداخت جریمه تأیید نموده است. اولاً در زمان احداث بنا محل احداث در محدوده شهرداری نبوده است. ثانیاً مراتب طی نامه شماره ۱۲۸۶ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۷ به شهرداری خمینی شهر اعلام گردیده و شهرداری مذکور پلاک را خارج از محدوده قانونی شهر دانسته است. ثالثاً نماینده شهرداری هنگام حضور در شعبه ضمن تأیید خارج از محدوده بودن ساختمان هنگام احداث مبنای رأی کمیسیون را رعایت عدل و انصاف از حیث بهره‌مندی از خدمات شهرداری و امکانات شهرداری دانسته است و هیچ مستند قانونی مبنی بر احراز تخلف شاکی ابراز نداشته است. علی‌هذا ضمن آن که تبصره‌های الحاقی به ماده ۹۹ قانون شهرداری ارتباطی به موضوع نداشته حکم به ورود شکایت شاکی دایر به نقض رأی کمیسیون تجدید نظر در رسیدگی به پرونده هم‌عرض صادر و اعلام می‌گردد. الف- ۲- هیأت اول تجدید نظر رد رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۳۲/۷۵ موضوع تقاضای تجدید نظر شهرداری خمینی شهر به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۷۵/۳/۹ شعبه هجدهم به شرح دادنامه شماره ۸۸۳ مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۷ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که از طرف تجدید نظر خواه شهرداری خمینی شهر ایراد و اعتراض موجهی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید اقامه و ابراز نگردیده است و بر کیفیت رسیدگی و اصدار دادنامه شماره ۳۰۵ مورخ ۱۳۷۵/۳/۹ صادر از شعبه ۱۸ دیوان ایراد شکلی به نظر نمی‌رسد بنا به مجموع مراتب فوق‌الذکر دادنامه بدوی عیناً تأیید می‌شود. ب- شعبه نوزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۳۰/۸۰

ریسمان چیان به طرفیت شهرداری خمینی شهر به خواسته ابطال آراء صادر توسط کمیسیون بدوی تجدید نظر ماده صد شهرداری به شرح دادنامه شماره ۴۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۳ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به عدم دفاعیات مؤثر و موجه اداره مشتکی عنه و دلایل و مدارک ابزاری از جمله سند رسمی و زمان تنظیم آن و موارد منعکس در آن خاصه موضوع ذکر شیروانی در سند و نامه شرکت برق در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۷ که در نهایت با مذاقه در متن رأی معترض علیه و عدم توجه به قدمت مستحدمات و عدم رعایت تعیین میزان جریمه نسبت به زمان وقوع آن با در نظر گرفتن نظریه مورخ ۱۳۷۲/۳/۹ مقام معظم رهبری، روحی فدا، در پاسخ استفتاء شهرداری تبریز مبنی بر وصول میزان جریمه به تاریخ وقوع تخلف می‌باشد؛ همچنین مفاد رأی شماره ۱۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۹/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص قابلیت تغییر ارزش معاملاتی در هر سال (تبصره ۱۱ ماده صد قانون شهرداری) و لزوم اعمال ارزش معاملاتی هر سال در تعیین جرائم تخلفات ساختمانی مربوطه همان سال می‌باشد و بالاخره التفاتاً به مجموع مراتب یاد شده به نظر می‌رسد اتخاذ تصمیم کمیسیون معترض علیه وفق مقررات موضوع از جمله مدلول ماده صد قانون شهرداری در رابطه با اخذ توضیحات کتبی از ذینفع در امر اصدار رأی معمول نگردیده؛ فلذا حکم به ورود شکایت فوق‌التوصیف صادر و رأی مابه‌الاجتلاف نقض و لزوم رسیدگی مجدد به موضوع معنون در کمیسیون هم‌عرض با رعایت مفاد این دادنامه و کلیه مقررات مربوطه اعلام می‌گردد. ج- ۱- شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۶۹/۷۹ موضوع شکایت آقای احمد داوری به طرفیت شهرداری خمینی شهر به خواسته، ابطال و فسخ و نقض دادنامه کمیسیون تجدید نظر ماده صد شهرداری خمینی شهر به شرح دادنامه شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۰/۳/۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه کاربری ملک متنازع فیه به



رای مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۳ کمیسیون تجدید نظر ماده صد قانون شهرداری نقض و رسیدگی به کمیسیون همعرض ارجاع می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

### رای هیأت عمومی

اولاً با بررسی انجام شده، هیأت عمومی وجود تعارض بین آراء اعلام شده را محقق دانست. ثانیاً با توجه به اینکه حکم مقرر در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مبین الزام مالکین اراضی واقع در محدوده شهر یا حریم آن به اخذ پروانه احداث یا تجدید بنا و یا اقدام عمرانی دیگر می‌باشد و مدلول تبصره‌های ماده فوق‌الذکر متضمن صلاحیت کمیسیون‌های بدوی و تجدید نظر در رسیدگی به تخلفات ساختمانی واقع در محدوده شهر و یا حریم آن و صدور رای قطعی مقتضی در این باب است. نظر به اینکه گسترش قلمرو جغرافیایی شهر به لحاظ ادغام اراضی و املاک خارج از محدوده شهر به محدوده قانونی و حریم آن موجد صلاحیت کمیسیون‌های بدوی و تجدید نظر در رسیدگی به تخلفات ساختمانی در اراضی و املاک مزبور قبل از ادغام آنها و مجوز صدور رای قطعی بر اساس تبصره‌های ماده فوق‌الذکر نیست، بنابراین دادنامه‌های شماره ۸۸۳ مورخ ۱۳۷۷/۶/۱۷ هیأت اول تجدید نظر و ۱۷۹۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۹ شعبه اول تجدید نظر دیوان در حدی که متضمن این معنی است صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

صورت باغ و کشاورزی بوده و از طریق مجاری قانون کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) به کاربری مسکونی و تجاری تغییر نیافته است از این رو از حیث نقض قوانین و مقررات تخلفی از مقررات از ناحیه مشتکی عنه صورت نگرفته و موازین قانونی در صدور رای مورد اعتراض لحاظ گردیده است، لذا شکایت با وصف مرقوم غیر وارد تشخیص و حکم به رد شکایت صادر می‌گردد. ج- ۲- شعبه ششم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۳۴/۸۰ موضوع تقاضای تجدید نظر آقای احمد داوری به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۸۰/۳/۵ صادره از شعبه سوم بدوی به شرح دادنامه شماره ۱۴۰ مورخ ۱۳۸۲/۲/۸ دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است. د- ۱- شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۱۲/۸۰ موضوع شکایت آقای رجبعلی هوازاده جوی آبادی به طرفیت، شهرداری منطقه یک خمینی شهر به خواسته اعتراض به آراء کمیسیون ماده صد به شرح دادنامه شماره ۱۴۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۰ شکایت شاکی را موجه تشخیص نداده و حکم به رد آن صادر نموده است. د- ۲- شعبه اول تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۹/۸۲ موضوع تقاضای تجدید نظر آقای رجبعلی هوازاده به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۴۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۰ صادره از شعبه هجدهم به شرح دادنامه شماره ۱۷۹۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۹ چنین رای صادر نموده است، حسب لایحه دفاعیه شهرداری در پرونده شعبه هجدهم، ساخت و ساز مربوط به زمانی بوده که منطقه جوی آباد به محدوده شهرداری خمینی شهر ملحق نشده بود و خارج از حریم شهر بوده است که در این گونه موارد کمیسیون بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری صالح به رسیدگی است و کمیسیون ماده صد صلاحیتی راجع به ساخت و سازهای خارج از محدوده شهر ندارد؛ فلذا تجدید نظر خواهی وارد تشخیص و با نقض حکم فوق



آراء شماره ۵۴۴ و ۵۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم استحقاق شهرداری به وصول عوارض از واحدهای تولیدی خارج از حریم قانونی شهرها  
شماره ۹۷۶/۸۲-۱۰۴۳  
تاریخ: ۱۳۸۵/۸/۷  
شماره دادنامه: ۵۴۴-۵۴۵  
کلاس پرونده: ۹۷۶/۸۲-۱۰۴۳  
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.  
شاک: ۱- شهرداری یزد ۲- شرکت عالی سفالین.  
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۰ و ۱۳ بدوی و ۷ و ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مقرر می دارد؛ «نظر به اینکه شهرداری تکلیفی در ارائه خدمات عمومی در خارج از محدوده قانونی شهر ندارد بنابراین تمسک به تبصره ۴ ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری که در مقام تعریف حوزه شهر بر اساس نقاط تابع حوزه ثبتی و عرفی واحد وضع شده است و مطالبه عوارض از کارخانجات واقع در خارج از محدوده قانونی شهر خلاف هدف و حکم مقنن در باب وضع و وصول و مصرف عوارض و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی است...»

لهمذا به دلایل مذکور حکم به ورود شکایت شرکت شاک صادر و اعلام می گردد. الف- ۲- شعبه هشتم تجدیدنظر رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۲۱/۸۱ موضوع تقاضای تجدیدنظر، شهرداری یزد نسبت به دادنامه شماره ۱۷۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ شعبه پانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۴۵۵ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۹ با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است. ب- شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۴۳/۷۶ موضوع شکایت شرکت اتحاد فخر یزد به طرفیت شهرداری یزد به خواسته، ابطال رأی ۳۳/۷۶ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها مستقر در شهرداری یزد به شرح دادنامه شماره

مقدمه: الف- شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۰/۲۰۱۴ موضوع شکایت سفالین آجران به طرفیت، شهرداری یزد به خواسته، اعتراض به اقدامات مشتکی عنه در خصوص اخذ عوارض فروش آجر و ابطال اقدامات مذکور و استرداد وجوه از تاریخ ۱۳۷۲ لغایت صدور حکم به شرح دادنامه شماره ۱۷۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ چنین رأی صادر نموده است: شاک اعلام نموده که شرکت سفالین آجران در فاصله ۳۵ کیلومتری یزد و در خارج از حوزه استحفاظی شهرداری قرار داشته؛ بنابراین به لحاظ عدم ارائه هر گونه خدمات از ناحیه شهرداری یزد در خارج از محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهر، اخذ هر گونه عوارض بر خلاف قانون صورت پذیرفته است.

متقابلاً به موجب لایحه جوابیه، شهرداری یزد اعلام داشته است، به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرائی وصول عوارض تولید آجر مستقر در خارج از محدوده قانونی شهرداری، مشابه کارخانجات و کوره های داخل در محدوده مشمول پرداخت عوارض مقرر می باشد که با این وصف ادعای خواهان در خصوص این که به لحاظ استقرار شرکت موصوف در خارج از حوزه قانونی شهرداری از پرداخت عوارض معاف می باشد، فاقد وجاهت قانونی است. با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۳۷۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۸



۱۳۷۲ لغایت صدور حکم به شرح دادنامه شماره ۱۷۷۹ مورخ ۱۳۸۱/۹/۷ چنین رأی صادر نموده است: "شاکی اظهار داشته، کارخانجات تولیدی شرکت عالی سفالین در فاصله ۳۵ کیلومتری یزد و در خارج از حوزه استحفاظی شهرداری یزد داشته، لذا اخذ هر گونه عوارض از سوی شهرداری یزد بر خلاف قانون صورت پذیرفته است. متقابلاً به موجب لایحه جوابیه ۱۳۸۱/۱/۲۲ شهرداری یزد اعلام داشته که به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرائی وصول عوارض انجمن شهر یزد مصوب سال ۱۳۵۶ که کما کان به قوت خود باقی و لازم الاجرا است کلیه کارخانجات و کوره‌های تولیدی آجر مستقر در خارج از محدوده قانونی شهرداری مشمول پرداخت عوارض مقرر می‌باشند. با توجه به رأی وحدت رویه ۳۷۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۸ حکم به ورود به شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد." د-۲ شعبه هفتم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۸۰/۸/۱۱ موضوع تقاضای تجدید نظر شهرداری نسبت به دادنامه شماره ۱۷۷۹ مورخ ۱۳۸۱/۹/۷ شعبه پانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۹۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۹/۸ چنین رأی صادر نموده است: "نظر به اینکه بر اساس ماده ۷۷ قانون شهرداری رفع هر گونه اختلاف بین مؤدی و شهرداری در مورد اعتراض در صلاحیت کمیسیون مقرر در آن ماده قانونی می‌باشد و از آنجا که شکایت شاکی به موجب دادخواست تقدیمی کلی است و منجر نمی‌باشد و شاکی رأی خاصی از کمیسیون مذکور را مورد اعتراض قرار نداده است و پرونده امر حکایتی از ارجاع موضوع در بدو امر به کمیسیون مقرر در ماده مرقوم ندارد که با این وصف در وضعیت فعلی پرونده شکوائیه شاکی قابلیت استماع در دیوان عدالت اداری را ندارد، علیهذا تجدید نظر خواهی را وارد تشخیص و با فسخ دادنامه تجدید نظر خواسته قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد." هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و

۱۱۹۴ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۳ چنین رأی صادر نموده است: "نظر به اینکه شهرداری برای تأمین هزینه‌های جاری مربوط به انجام وظایف محوله مجاز به وصول عوارض بر اساس ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌ها می‌باشد و عوارض مورد مطالبه نیز علی‌الاصول با درج در ذیل فاکتورهای فروش محصولات از خریداران دریافت می‌گردد و بدین لحاظ موضوع تحمیل و اجحاف به شرکت شاکی و دیگر واحدهای مشمول منتفی به نظر می‌رسد، علیهذا تخلفی از مقررات توسط شهرداری احراز نمی‌گردد، حکم به رد صادر می‌شود." ج- شعبه دهم در رسیدگی پرونده کلاسه ۱۳۷۵/۱۱/۱۵ و ۱۲۷۱ و ۳۷۷/۷۶ موضوع شکایت شرکت عالی سفالین یزد به طرفیت، شهرداری یزد به خواسته، اعتراض نسبت به رأی قطعی شماره ۲۶۰-۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۶/۳۱ کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری و تصمیمات شهرداری به شرح دادنامه شماره ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۲ چنین رأی صادر نموده است: "عمده اعتراض عنوان شده دائر بر غیر قانونی بودن وضع عوارض مورد مطالبه همچنین عدم تعلق عوارض به لحاظ استقرار کوره فخاری در خارج از حوزه استحفاظی و عدم ارائه خدمات از سوی شهرداری یزد و اینکه بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور ناظر به تعیین عوارض بر مبنای خدمات ارائه شده می‌باشد با عنایت به مفاد دادنامه شماره ۱۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۵/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مؤثر در مقام به نظر نمی‌رسد... بنا به مراتب فوق و بررسی کلیه سوابق امر تخلفی از قوانین و مقررات مشهور نیست و شکایت وارد به نظر نرسیده و رد می‌شود." د-۱- شعبه پانزدهم رد رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۱۸/۸۰ موضوع شکایت شرکت عالی سفالین به طرفیت شهرداری یزد به خواسته اعتراض به اقدامات شهرداری در خصوص اخذ عوارض فروش آجر و استرداد وجوه مأخوذه از تاریخ



در اساس قضیه همان طور که در دادنامه شماره ۸۳۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان نیز تصریح شده است، وصول عوارض توسط شهرداری به حکم مقنن از جمله بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ در محدوده شهرها و حریم قانونی آنها است و مفید جواز اخذ عوارض از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی مستقر در خارج از محدوده قانونی شهرها نیست، بنابراین مفاد دادنامه شماره ۱۷۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ شعبه پانزدهم بدوی دیوان که به شرح دادنامه شماره ۴۵۵ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۹ شعبه هشتم تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفته و قطعیت یافته، منحصرأدر حدی که متضمن این معنی است موافق قانون تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی

رؤساء و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

### رأی هیأت عمومی

اولاً: تفاوت مدلول دادنامه های صادره از شعب ۷ و ۸ تجدید نظر و ۱۳ و ۱۵ بدوی دیوان مبتنی بر استنباط معارض از حکم واحد قانونگذار نیست و دادنامه های مذکور از مصادیق آراء متناقض موضوع ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری محسوب نمی شود. ثانیاً: با توجه به مدلول دادنامه شماره ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۲ شعبه دهم بدوی و شماره ۱۷۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ شعبه پانزدهم بدوی و سایر محتویات پرونده های مربوط در باب استحقاق یا عدم استحقاق شهرداری به وصول عوارض از واحدهای تولیدی واقع در خارج از حریم قانونی شهرها، وجود تناقض بین دادنامه های فوق الذکر محرز به نظر می رسد و



رأی شماره ۳۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص مطالبه عوارض تولید

شماره ۱۰۷/۸۲/۵

تاریخ: ۱۳۸۵/۵/۲۲

شماره دادنامه: ۳۱۱ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلاس پرونده: ۱۰۷/۸۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت آجر ماشینی کاظمیه جهرم

موضوع شکایت و خواسته: اعلم تعارض آراء صادره از شعب دهم بدوی و سوم تجدید نظر دیوان عدالت

اداری

چنین رأی صادر نموده است، با توجه به بند (الف) ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۸ و بند یک ماده ۴ قانون اصلاح پاره ای از موارد قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۹ نسبت به عوارض متعلقه و بند (الف) ماده ۳۰ قانون وصول برخی از

مقدمه: الف- ۱- شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۵۲/۷۷ موضوع شکایت شرکت آجر ماشینی کاظمیه به طرفیت شهرداری جهرم به خواسته، ابطال عملیات اجرائی مربوط به رأی مورخ ۱۳۷۶/۴/۴ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری جهرم به شرح دادنامه شماره ۸۵۶ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۴



محصولات و کالاهای تولیدی کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی و کارگاه‌های غیرمشمول مقررات قانونی نظام صنفی واقع در حوزه شهری به میزان یک درصد قیمت بهای فروش هر یک از واحدها و فوق‌الذکر مورد تجویز قرار گرفته و با توجه به این که کارخانه آجر ماشینی از مصادیق کارخانجات و واحدهای صنعتی محسوب می‌شود و مستثنی از دیگر واحدها نیست، بنابراین مطالبه عوارض از محصولات تولیدی آن نباید بیش‌تر از یک درصد باشد و چون مدلول رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری در رابطه با مطالبه عوارض شهرداری جهرم متضمن این معنی نیست؛ لذا رأی به ورود شکایت و نقض رأی صادره و ارجاع آن به کمیسیون هم عرض صادر می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی هیأت عمومی

نظر به این که عوارض بهای تولیدات فخاری به میزان ده درصد در اجرای بند یک ماده ۳۵ قانون شوراهای اسلامی با رعایت مقررات به‌تفصیل نماینده محترم ولی فقیه رسیده و در سال‌های مطالبه آن از شاکیان پرونده‌های فوق‌الذکر به قوت و اعتبار خود باقی بوده است؛ بنابراین دادنامه شماره ۸۹۳ مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۳ شعبه سوم تجدیدنظر دیوان در حدى که مبین این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه و مربوط به زمان نفوذ و اعتبار قانون و مصوبه فوق‌الاشعار لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ و با توجه به دستورالعمل شماره ۶۱۶۴۰/۱۱ مورخ ۱۳۷۵/۴/۲ ریاست جمهوری بر پرداخت عوارض یک درصد از واحدهای دولتی در حوزه استحفاظی شهرها، اعتراض شرکت شاکی نسبت به رأی مورخ ۱۳۷۶/۴/۴ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری جهرم که به میزان ده درصد عوارض تعیین نموده و مبنای قانونی ندارد وارد می‌باشد و با نقض رأی مذکور پرونده به کمیسیون مربوطه برای طرح مجدد احاله می‌گردد. الف-۲ - شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۳۰/۷۸ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۴ شعبه دوازدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۸۵۶ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۴ شعبه دوازدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۸۹۳ مورخ ۱۳۷۹/۶/۱۳ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه شهرداری جهرم مستند اقدامات مبنی بر مطالبه عوارض تولید بر مبنای ده درصد را آراء شماره ۱۳۳-۱۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۵/۴ وحدت رویه هیأت عمومی دیوان دانسته‌اند و متذکر شده‌اند بر طبق مواد ۲ و ۳ و ۴ آیین‌نامه مربوط به تعیین و وصول عوارض از تولیدات فخاری در سراسر کشور که مبنی بر مصوبه قائم مقام شورای اسلامی شهر که به تنفیذ نماینده محترم ولی فقیه رسیده و نظر به اینکه رأی صادره از شعبه دوازدهم بدون توجه به آراء وحدت رویه مذکور صادر گردیده بنابراین با وارد دانستن اعتراض تجدیدنظر خواه ضمن فسخ دادنامه شماره ۸۵۶ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۴ صادره از شعبه دوازدهم دیوان عدالت اداری رأی به رد شکایت صادر می‌نماید. ب- شعبه دهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۳۹/۷۶ موضوع شکایت آقای فرهاد کاظمی به طرفیت شهرداری شهرستان جهرم به خواسته متن دادخواست به شرح دادنامه شماره ۳۷۸ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که حسب مقررات مربوط عوارض بر